

اجرای احکام مدنی از مباحث بسیار مهم حقوق است که در نظام حقوقی ما کمتر به آن توجه شده است. اصولاً، تمام فرایند دادرسی که با مشتقات خود، نهایتاً به صدور حکمی از دادگاه خاتمه می یابد توفیق آن در گرو اجرای حکم است. اگر حکم به هردلیل اجرا نشود، می توان گفت توفیقی در دادرسی نه برای مدعی و نه برای نظام حقوقی حاصل نشده است. اجرای احکام مدنی را باید ادامه فرایند دادرسی مدنی به حساب آورد. معمولاً اصول به قواعد ثابت و استواری گفته می شود که پایه های اساسی آیین دادرسی را تشکیل می دهد مانند اصل لزوم قطعی بودن و ابلاغ رای جهت اجرا. اصول حقوقی نماینگر ارزش های حاکم بر یک نظام حقوقی هستند که امروزه به عنوان مسلمات حقوقی به شمار می روند. اجرای رای به دلیل برخورد عملی و تعارضات آشکاری که ممکن است بین طرفین و شخص ثالث به وجود آورد، باید تحت حاکمیت قواعد و تشریفات قانونی باشد. مانند زمان رسیدگی، در هنگام اجرا نیز مفاهیم اصول و تشریفات مطرح می شود و به باور ما، جز در مورد اصولی مانند اطلاع و رعایت حق دفاع که روشن هستند و تنها ممکن است در مصداق مورد اختلاف باشند، این مفاهیم، نسبی بوده و برحسب هر اختلاف، ارزیابی می شوند. با این بیان بررسی اصول حاکم بر اجرای رای، امری بایسته می باشد. نتایجی که از این تحقیق بدست می آید این است که اصول حاکم بر اجرای احکام مدنی دارای مبانی مشترک چون عدالت رویه ای، سرعت و فوریت و حفظ نظم می باشد و عدم رعایت برخی از اصول، موجب بطلان عملیات اجرایی و عدم رعایت برخی دیگر، می تواند منجر به مسولیت انتظامی یا مدنی یا کیفری مامور اجرا یا قاضی گردد.

کلید واژه ها: اصول حاکم، اجرا، احکام مدنی، ضمانت اجرا،